

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکتب ایتام و یتیمان
حقوقی علامه

شيوه نامه تکميل شناسنامه مدخر

دانشنامه های حقوقی علامه

ویراست دوم

آبان ماه ۱۳۹۴

فهرست

.....	مقدمه	۴
.....	بخش اول: تعاریف و مفاهیم	۵
.....	۱-۱- تعریف مدخل:	۵
.....	۱-۲- اصول و ویژگی‌های مدخل:	۵
.....	۱-۳- انواع مدخل، تعریف و احکام آن‌ها:	۶
.....	۱-۳-۱- مدخل اصلی:	۶
.....	۱-۳-۲- مدخل فرعی:	۶
.....	۱-۳-۳- مدخل ارجاعی:	۷
.....	۱-۳-۴- مدخل محذوف:	۸
.....	۱-۳-۵- مدخل مشروط:	۸
.....	۱-۳-۶- مدخل مرتبط:	۹
.....	بخش دوم: روابط بین مدخل‌ها	۱۰
.....	۲-۱- رابطه اعم و اخص:	۱۰
.....	۲-۲- رابطه ترادف و تضاد:	۱۰
.....	۲-۳- رابطه وابستگی:	۱۱
.....	۲-۴- رابطه تکرار پذیری:	۱۲
.....	۲-۵- رابطه محتوا و طول مقاله:	۱۲
.....	بخش سوم: نحوه تکمیل شناسنامه	۱۴
.....	بخش چهارم: نکات کاربردی	۱۵

مقدمه

این شیوه‌نامه در **چهار بخش** تنظیم شده است. در **بخش اول**، تعاریف راجع به مدخل و اصول و ویژگی‌ها و انواع آن آمده است. در **بخش دوم**؛ روابط بین مدخل‌ها توضیح داده شده است؛ نظیر رابطه اعم و اخص، ترادف و وابستگی، حجم و طول مقاله و در **بخش سوم**؛ نحوه تکمیل شناسنامه مدخل‌ها توضیح داده شده است. در **بخش چهارم** و آخرین بخش، نکات کاربردی به منظور تسهیل در تکمیل شناسنامه مدخل‌ها آمده است.

دانشگاه آزاد اسلامی
دانشنامه‌های حقوقی علامه

بخش اول: تعاریف و مفاهیم

۱-۱- تعریف مدخل:

Entrance عبارتی مصطلح برای عنوان هر مقاله دایرةالمعارفی است که مقاله بر محور آن نگاشته می‌شود. در واقع موضوع و قلمرو هر مقاله با مدخل مشخص می‌شود.

۱-۲- اصول و ویژگی‌های مدخل:

اصول و ویژگی‌های مدخل عبارتند از:

۱-۲-۱- مدخل باید آینه موضوع باشد. یعنی به گونه‌ای باشد که مخاطب به

محض ملاحظه آن، به موضوع مقاله آگاه شود.

۱-۲-۲- مدخل باید مشهور و رایج و کاملاً متبادر به ذهن باشد؛ به گونه‌ای که

عمده مخاطبان با آن ارتباط نزدیکی حس کنند.

۱-۲-۳- مدخل باید از قبل اعتبار یافته باشد. یعنی در متون معتبر یا نزد انبوه مخاطبان

شناخته شده باشد.

۱-۲-۴- مدخل باید غالباً جزئی و خاص باشد. فقط زمانی مدخل عام و کلی به کار

می‌رود که موجودیت و وجود مدخل آمیخته به کلیت و عمومیت باشد. در این صورت هم،

مدخل‌های جزئی به عنوان مدخل فرعی در زیر مجموعه آن قرار می‌گیرند.

۱-۲-۵- مدخل باید با انتظار اکثر مخاطبان سازگار و مانوس باشد.

۳-۱- انواع مدخل، تعریف و احکام آن ها:

مجموعه مدخل‌ها دارای شش نوع هستند^۱ که به ترتیب عبارتند از: مدخل اصلی، فرعی، ارجاعی، محذوف، مشروط و مرتبط. تعریف هر یک از این مدخل‌ها به شرح زیر است.

۱-۳-۱- مدخل اصلی:

مدخلی است که مقاله ذیل آن درج می‌شود و از نظر معنایی، شمول و جامعیت بیشتری دارد؛ به گونه‌ای که در زیر مجموعه آن مدخل‌های فرعی قرار می‌گیرد. مثال: مدخل اصلی "شرایط داور" که در زیر مجموعه آن‌ها مدخل فرعی "شرط عدم ذی‌نفعی" ذکر می‌شود. مثال دیگر مدخل اصلی، "مأخذ شناسی‌ها" و "کتاب‌شناسی‌ها" می‌باشد.

۲-۳-۱- مدخل فرعی:

مدخلی است که قسمتی از یک مقاله را به خود اختصاص می‌دهد. مثال: مدخل فرعی "شورای روستا" که زیرمجموعه مدخل اصلی و مقاله "شوراهای شهر و روستا" توضیح و درج می‌شود.

^۱ در منابع مختلف طبقه بندی مدخل‌ها متفاوت آمده است. به عنوان مثال در برخی از دایره المعارف‌ها مدخل مرتبط تعریف نشده است یا در برخی دیگر مثل دایره المعارف بزرگ اسلامی طبقه بندی دیگری از مدخل‌ها شامل مدخل معکوس و مستقیم شناسایی شده است. علت این تفاوت‌های جزئی آن است که هر یک از منابع متناسب با نیازهای حوزه تخصصی خود و مجموعه شرایط حاکم بر منابع و محتوای مورد تحقیق اقدام به طبقه بندی مدخل‌ها کرده اند. مهم آن است که هر یک از طبقات مدخل‌ها با دقت تعریف شده و در فرایند نگارش دایره المعارف کاربرد داشته باشد.

۳-۳-۱- مدخل ارجاعی:

مدخلی است که فقط ذکر می‌شود؛ اما مقاله‌ای برای آن نگاشته نمی‌شود؛ بلکه به مدخل اصلی ارجاع داده می‌شود. ذکر این مدخل، بیشتر برای راهنمایی مراجعه‌کنندگان است تا ردیابی مدخل دلخواه را به راحتی انجام دهند. مثلاً کسی با کلیدواژه «حکَم» به دایرةالمعارف مراجعه می‌کند و از آنجا به مدخل «داور» راهنمایی و ارجاع می‌شود؛ زیرا حسب‌الفرض ۹۰٪ مفهوم داور و حَکَم واحد است و ده درصدی که تفاوت معنایی با هم دارند در مقاله داور بیان شده است؛ ضمن اینکه ممکن است در مدخل ارجاعی حَکَم توضیحی کوتاه و چند سطری بیاید و برای مطالعه بیشتر به مدخل داور ارجاع داده شود.

مثال دیگر برای مدخل ارجاعی، ارجاع مدخل‌های جمع به مدخل‌های مفرد همان اصطلاح است مثلاً مدخل «آباء» مدخل ارجاعی «اب» است. استثنای وارد بر این حکم عام ۴ مورد زیر است:

۱- آثار ۲- شروط ۳- شرایط ۴- احکام

مثال دیگر برای مدخل ارجاعی، ارجاع مدخل‌های مترادف به مدخل اشتهر آن است. مثل «جد» که اشتهر است و «پدر بزرگ» به عنوان مدخل ارجاعی به آن ارجاع می‌شود. مثال بعدی، ارجاع مدخل‌های به زبان بیگانه به فارسی آن‌ها است مانند حق‌النفقة که به مدخل حق‌نفاقه ارجاع داده می‌شود.

برای شناخت بیشتر مدخل ارجاعی باید توجه شود که معمولاً مدخل‌های ارجاعی فاقد مقاله هستند و محتوای آنها در مدخل مرجوع الیه نگاشته می‌شود. بر این اساس، موارد مدخل‌های ارجاعی عبارتند از :

- ۱- ارجاع مدخل اخص به اعم
- ۲- ارجاع مدخل به مترادف آن
- ۳- ارجاع غیراشهر به اشهر
- ۴- ارجاع منسوخ به رایج
- ۵- ارجاع اثر به صاحب اثر
- ۶- ارجاع جمع به مفرد
- ۷- ارجاع مدخل به زبان بیگانه به مدخل فارسی

۴-۳-۱- مدخل محذوف:

مدخلی است که در مراحل اولیه توسط کارشناسان پیشنهاد شده است؛ اما به تصویب گروه تخصصی نرسیده است. این مدخل‌ها به عنوان سابقه در مدخل‌نامه نگهداری می‌شوند؛ زیرا ممکن است در آینده مورد تصویب قرار گیرند.

۵-۳-۱- مدخل مشروط:

مدخل‌هایی هستند که از نظر کلی پذیرفته شده‌اند، اما احتمال می‌رود که درباره آن‌ها مطلب کافی به دست نیاید. لذا باید پژوهش بیشتری درباره آن‌ها انجام شود تا زمانی که از نظر محتوایی گنجایش تدوین یک مقاله دایرةالمعارفی را پیدا کنند.

۶-۳-۱- مدخل مرتبط:

مدخلی است که موجب تداعی معانی و یادآوری مدخل دیگری می‌شود؛ نظیر اقسام یک قسم که موجب تداعی معانی یکدیگر می‌شوند. مثلاً به محض یادآوری «رد» قسم دیگر آن که «قبول» است، به ذهن مخاطبان تخصصی می‌رسد. لذا گفته می‌شود، مدخل «رد» مرتبط است با مدخل «قبول». نمونه دیگر، مدخل «جرح» است که مرتبط است با مدخل «تعدیل» و همچنین مرتبط است با مدخل «ضرب» یا مدخل «نکاح» که مرتبط است با مدخل «طلاق». لازم به ذکر است که مدخل‌های مرتبط به نزدیکترین مدخل قبلی خود مرتبط خواهند شد. معمولاً هر یک از مدخل‌های مرتبط دارای مقاله مستقل هستند. اما به دلیل مکمل بودن معنایی آنها به یکدیگر ارتباط داده می‌شوند.

پایگاه تخصصی دانشنامه‌های حقوقی علامه

بخش دوم: روابط بین مدخل‌ها

دسته‌بندی مدخل‌ها ناشی از روابطی است که بین آن‌ها برقرار است. برای طبقه‌بندی یا نوع‌شناسی مدخل‌ها باید به روابط بین آن‌ها توجه کنیم. این روابط عبارتند از اعم و اخص، مترادف و تضاد، وابستگی، محتوا و حجم و رابطه تکرارپذیری. توضیح این روابط به شرح زیر است:

۱-۲- رابطه اعم و اخص:

این رابطه زمانی بین دو مدخل برقرار می‌شود که رابطه آن‌ها کل و جز یا اصل و فرع باشد. بر این اساس، رابطه مدخل‌های اصلی و فرعی از نوع رابطه اعم و اخص است. نظیر «شرط ذی‌نفع نبودن داور»، که جزیی است از مدخل کلی «شرایط داور».

۲-۲- رابطه مترادف و تضاد:

برخی مدخل‌های حقوقی از نظر معنایی مترادف هستند. این مترادف اعم است از تفاوت‌های نگارشی یا تفاوت‌های وضعی و لفظی. به عنوان مثال، مدخل «تصدی قضاوت توسط زنان» مترادف است با مدخل «قضاوت زنان» و تفاوت این دو مدخل تنها از نظر شیوه نگارش آن است که موجب می‌شود یکی با حرف «ت» شروع شود و دیگری با حرف «ق» و از نظر تنظیم الفبایی هر یک در جای دیگری قرار داده شود. اما نمونه دیگر مترادف، ناشی از وضع لفظ است مثل مدخل «جائز» که مترادف است با مدخل «ظالم». ملاحظه

می‌شود که تفاوت آن‌ها از نظر شیوه نگارش آن نیست، بلکه «معنای واحد» برای دو «لفظ متفاوت» منظور شده است. نمونه دیگر، مترادف مدخل «مقنن» با «قانونگذار» است که تفاوت آن‌ها ناشی از نگارش آن‌ها نیست. بلکه ناشی از وضع دو لفظ مستقل برای معنای واحد است. در تمامی مواردی که رابطه دو مدخل، مترادف باشد (اعم از این که مترادف ناشی از شیوه نگارش باشد یا ناشی از وضع لفظ) لازم است مدخل اصلی مدخلی باشد که مشهورتر و پرکاربردتر است و معادل‌های مدخل اصلی به عنوان مدخل‌های ارجاعی طبقه‌بندی شود.

رابطه دیگری که بین مدخل‌ها برقرار می‌باشد «رابطه تضاد» است. به عنوان مثال مدخل‌های «رد با قبول» و «جرح با تعدیل» و «عقد با ایقاع» و «ضعف با قوت» و «نقض با ابرام و تأیید» و «حکم با قرار» و ... تضاد معنایی دارند. در این موارد، باید هر دو مدخل را اصلی و نیز مرتبط تعیین کنیم. یعنی ارتباط هر یک را با دیگری بیان کنیم تا مدخلی از قلم نیفتد. البته لازم است توجه شود که مدخل مرتبط اعم است از اینکه رابطه آنها ناشی از تضاد باشد یا تداعی معانی که در قسمت مستقل توضیح داده خواهد شد.

۳-۲- رابطه وابستگی:

برخی از مدخل‌ها به گونه‌ای هستند که اگر یکی به ذهن بیاید، دیگری هم به ذهن می‌آید و به اصطلاح گفته می‌شود بین دو مدخل «تداعی معانی» وجود دارد. تداعی معانی ممکن است ناشی از رابطه تضادی بین دو مدخل باشد. مثل «رد و قبول» یا «مالی و غیر مالی» و یا «عینی و دینی» و یا ممکن است ناشی از رابطه مفهومی بین دو مدخل باشد. مثل «ضرب و جرح» یا «خواهان و خواسته» و... در کل مواردی که رابطه دو مدخل از نوع

وابستگی و تداعی معانی باشد، لازم است هر دو مدخل را به عنوان اصلی و نیز مرتبط طبقه‌بندی کنیم. زیرا هدف از پیش‌بینی مدخل مرتبط آن است که مدخلی از قلم نیفتد و هنگام تداعی معانی بلافاصله ثبت شود.

۴-۲- رابطه تکرار پذیری:

روابط بین دو مدخل ممکن است تکراری باشد. مثلاً یک مدخل ممکن است هم فرعی باشد هم مرتبط یا هم اصلی و هم مرتبط. نظیر مدخل «**عدم ذی نفعی داور**» که نسبت به مدخل «**شرایط داور**» فرعی است و مثلاً نسبت به مدخل «**داور**» مرتبط است. یا مدخل «**جرح شاهد**» نسبت به «**تعدیل شاهد**» مرتبط و نسبت به مدخل «**شاهد**» فرعی باشد.

۵-۲- رابطه محتوا و طول مقاله:

هر مدخل که به منزله عنوان مقاله است، وقتی با متن و محتوای مقاله سنجیده شود؛ رابطه محتوا و طول مقاله مشخص می‌شود. توضیح بیشتر اینکه، مقالات دایرةالمعارفی از نظر حجمی و طول مقاله در چهار سطح به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

الف- مقالات کوتاه از ۲۵۰ تا ۸۰۰ کلمه

ب- مقالات متوسط از ۸۰۱ تا ۳۲۰۰ کلمه

ج- مقالات بلند از ۳۲۰۱ تا ۹۰۰۰ کلمه

د- مقالات مفصل از ۹۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰ کلمه

باید توجه شود که رویکرد اصلی دایرةالمعارف آن است که **مقالات از نوع کوتاه** باشد. بنابراین در طبقه‌بندی مدخل‌ها باید به گونه‌ای عمل شود که مدخل‌ها خصوصاً مدخل‌های

اصلی به گونه‌ای انتخاب شوند که دارای مدخل‌های فرعی کمتری باشند، به گونه‌ای که بتوان آنها را در نوع مقالات کوتاه طبقه‌بندی کرد. با این وجود سه طبقه دیگر از نظر حجم مقالات پیش‌بینی شده است که در صورتی که چاره‌ای نباشد مقالات در رده‌های متوسط، بلند و حتی مفصل طراحی شوند. اما تأکید می‌شود مدخل‌ها باید آنقدر جزئی شوند تا مقالات مربوط به آنها از نوع کوتاه باشند.

روز پژوهشی دانشنامه‌های حقوقی علامه

بخش سوم: نحوه تکمیل شناسنامه

پژوهشگرانی که تکمیل شناسنامه مدخل‌ها را بر عهده دارند برای انجام کار باید به موارد

زیر توجه کنند:

۱- نسبت به مباحث پیشین شامل تعاریف و مفاهیم و روابط بین مدخل‌ها تسلط کامل داشته باشند.

۲- شناسنامه با لحاظ سؤالات زیر تکمیل شود.

- الف- آیا مدخل مورد بررسی ارتباط با رشته دایرةالمعارفی مربوط دارد؟
- ب- آیا مدخل مورد بررسی ارتباط با سایر رشته‌های دایرةالمعارفی دارد؟
- ج- آیا مدخل مورد بررسی از نوع مداخل اصلی است یا غیر آن؟
- د- آیا مدخل مورد بررسی از نوع مداخل فرعی است یا غیر آن؟
- ه- آیا مدخل مورد بررسی از نوع مداخل مشروط است یا غیر آن؟
- و- آیا مدخل مورد بررسی از نوع مداخل محذوف است یا غیر آن؟
- ز- چه مدخل‌هایی مرتبط با مدخل مورد بررسی هستند؟ (اعم از ترادف، تضاد یا تداعی معانی)
- ح- حجم پیشنهادی مقاله برای مدخل (طول مقاله) از میان چهار نوع مصوب کدام است؟ (لازم است توجه شود که طول انتخابی مقاله متناسب با اطلاعات پرونده علمی پس از تصویب هیأت علمی نهایی خواهد شد).

ط- سایر توضیحاتی که راجع به هر مدخل به نظر می‌رسد چیست؟

بخش چهارم: نکات کاربردی

۱. یک مدخل در یک رشته حقوقی نمی‌تواند همزمان هم اصلی باشد هم فرعی. به عبارت دیگر، جمع بین مدخل اصلی و فرعی در یک رشته ممکن نیست؛ به استثنای مورد مذکور در بند ۱۱ این بخش. اما تصور همزمانی اصلی و مرتبط بودن یا فرعی و مرتبط بودن در مورد یک مدخل ممکن است.

مانند ← مهریه (مدخل اصلی) مهرالمثل (مدخل اصلی و مرتبط با مدخل مهریه)
مهرالمسمی (مدخل اصلی و مرتبط با مدخل مهریه)

۲. مدخل‌های اصلی در یک رشته حتی الامکان باید از اصطلاحات یکسان و هماهنگ با هم تشکیل شده باشد. مثلاً در مورد حقوق خانواده در مدخل‌های اصلی حتی الامکان از کلمه نکاح یا ازدواج استفاده شود؛ نه این که در موارد یکسان برخی جاها از ازدواج و برخی جاها از نکاح استفاده شود.

۳. مدخل‌های اصلی، الزاماً باید فارسی باشند؛ لذا مدخل‌های اصلی غیر فارسی باید ترجمه شوند.

۴. ارجاع یک مدخل ارجاعی به مدخل ارجاعی دیگر، اشتباه است. به عبارت دیگر، ارجاع در ارجاع صحیح نیست و هیچ مدخلی به مدخل ارجاعی ارجاع نمی‌شود.

۵. ضرورت ندارد یک مدخل فرعی را به اصلی همان مدخل، مرتبط هم کنیم. به عبارت بهتر جمع بین مدخل فرعی و مرتبط ممکن است اما زمانی که مرجع هر دو یک مدخل واحد نباشد.

۶. عبارات طولانی و جملاتی که به عنوان مدخل پیشنهاد شده است، باید حتماً ویرایش شده و در قالب عبارات کوتاه و کاملاً گویا نوشته شود. مثلاً جمله «با وجود پدر و جد پدری، مادر تکلیفی به انفاق فرزند ندارد» تبدیل شود به «تکلیف مادر به انفاق فرزند»

۷. حتی الامکان پرانتزها و گیومه‌های به کار رفته در مدخل‌ها حذف و ویرایش شود.

۸. در مورد تنظیم شناسنامه مدخل‌های به زبان بیگانه، اگر معادل فارسی این مدخل‌ها، به عنوان مدخل اصلی انتخاب شده است، مدخل به زبان بیگانه به مدخل اصلی مذکور ارجاع داده می‌شود. اما اگر مدخل فارسی معادل مدخل به زبان بیگانه، فرعی بود؛ این مدخل را هم به عنوان مدخل فرعی به مدخل اصلی مرتبط می‌کنیم.

۹. در مواردی که یک صفحه از یک منبع علاوه بر مدخل انتخابی به مدخل دیگر مرتبط بود، قبل از این که از صفحه منبع خارج شویم، در بخش جستجوی مدخل، مدخل مورد نظر را جستجو کرده و با کلیک راست روی آن، گزینه افزودن این مدخل به صفحه جاری را انتخاب می‌کنیم.

۱۰. در خصوص مدخل‌های شامل آیات سوره‌های قرآن کریم، دو حالت وجود دارد: برخی از مدخل‌ها بر اساس شماره آیات درج شده مثل آیه ۱۷۸ سوره مبارکه بقره و برخی با عنوان خاص آمده است. مثل آیه قصاص که همان آیه است. در این مورد آیاتی که به صورت موضوعی درج شده اند، به عنوان مدخل اصلی و آیاتی که با شماره آمده اند، به آیات مذکور ارجاع داده می‌شوند. مثال دیگر: آیه سرقه که همان آیه ۳۸ سوره مبارکه مائده است که آیه سرقه به عنوان مدخل اصلی و آیه ۳۸ سوره مبارکه مائده، مدخل ارجاعی است.

۱۱. در خصوص مدخل هایی که نسبت به مدخل دیگر ، فرعی محسوب می‌شوند اما ظرفیت محتوایی آنها به گونه ای است که لازم است در قالب یک مدخل و مقاله مستقل بحث شود، ابتدا اصلی‌ترین مدخل را به عنوان مدخل اصلی ذکر می‌کنیم و سپس هر کدام از مدخل‌های فرعی با شرایط فوق‌الذکر را هم به عنوان مدخل اصلی انتخاب می‌کنیم ضمن این که هر یک را به دیگری هم مرتبط می‌کنیم. صرفاً در این موارد می‌توان یک مدخل را همزمان هم اصلی و هم فرعی در یک رشته تعیین کرد. در واقع این امر استثنای اصل مذکور در بند یک بخش چهارم است.

۱۲. دو مدخل فرعی به یکدیگر مرتبط نمی‌شوند.

مثال: شرایط صحت نکاح یک مدخل اصلی است. شرط رضای زوج یکی از شرایط مذکور و مدخل فرعی آن محسوب می‌شود؛ اما به دلیل ظرفیت محتوایی بسیار به عنوان مدخل اصلی لحاظ و با مدخل شرایط صحت نکاح ارتباط می‌دهیم.

۱۳. مرتبط نمودن مدخل‌ها صرفاً به صورت درون رشته ای امکان پذیر است و ارتباط بین مدخل‌ها در رشته‌های مختلف پذیرفته نیست.

۱۴. ایجاد ارتباط بین دو مدخل (به عنوان مدخل مرتبط) الزاماً باید دوسویه باشد.

۱۵. تمامی مدخل‌های فرعی (که طبیعتاً زیر مجموعه یک مدخل اصلی به عنوان مثال X هستند) بعد از تغییر ماهیت از فرعی به اصلی (به دلیل کثرت مطالب راجع به آن یا بنا به هر دلیلی)، باید به آن مدخل اصلی (که در مثال، X بود) هم مرتبط شود.

۱۶. جمع بین موارد ذیل در یک مدخل، امکانپذیر نیست:

الف: مدخل مرتبط و مدخل فرعی (یک مدخل فرعی نمی تواند به یک مدخل دیگر مرتبط شود؛ همچنانکه نمی تواند به عنوان مدخل مرتبط یک مدخل دیگر انتخاب شود)

ب: مدخل ارجاعی و فرعی

ج: مدخل فرعی و اصلی

د: مدخل ارجاعی و اصلی

و: مدخل ارجاعی و مرتبط

لذا تمامی مقررات مغایر با این بند ملغی و نسخ می شوند.

۱۷. مدخل های کلی و عام را نمی توان به عنوان مدخل فرعی یک مدخل جزئی تر تعیین نوع کرد.

۱۸. هیچ مدخلی از یک رشته، به مدخلی دیگر از یک رشته دیگر، فرعی، مرتبط یا ارجاعی نمی شود.

۱۹. در ایجاد ارتباط بین دو مدخل به عنوان مدخل مرتبط، لازم است یادآوری شود که هر مدخل صرفاً به مدخلی که بلاواسطه به آن مرتبط است، مرتبط می شود و نه به مدخل های مرتبط مع الواسطه. به عبارت دیگر و مطابق رویه عملی؛ هر مدخل فقط به اولین بالایی و اولین پایینی خود (در مواردی که ارتباط مدخل ها، طولی است) مرتبط می شود.

۲۰. رویه در نگارش مدخل ها و نیز در تعیین نوع آنها، حتی الامکان و در حداکثر موارد و مصادیق، باید یکسان باشد.

۲۱. مدخل های ارجاعی و فرعی نباید پیوند مدخل داشته باشند. در غیر اینصورت، کار ناقص است.

۲۲. اصولاً تمامی مدخل های اصلی باید به تعداد متعارف، مدخل فرعی داشته باشند، لذا می توان گفت که به درستی مدخل های اصلی که مدخل فرعی ندارند یا تعداد مدخل های فرعی آن، بیش از حد متعارف است باید شک کرد (اگرچه در مواردی استثنایی، می توان درستی آنها را با همان وضع اثبات کرد). لذا وقتی در نوشتن مطالب مقالات علمی- پژوهشی و کتب مطرح حقوقی (که به ترتیب حداقل ۱۵ و بیش از ۱۰۰ صفحه حجم کل مطالب آنها می باشد)، « مطلب اختصاص یافته به هر عنوان فرعی، نباید از یکی، دو صفحه تجاوز کند و خواننده را کسل و دلزده کند» بنابراین در مقالات دایره المعارفی (با حجم حداقل ۲۵۰ کلمه) این قاعده به طریق اولی (و البته با تعداد کلمات کمتر ذیل هر عنوان) باید رعایت شود.

۲۳. نحوه تعیین نوع مدخل هایی که یکبار همراه با معادل لاتین و یکبار بدون آن در لیست مدخل ها وجود دارند، به این صورت است که در موارد تردید در اینکه کدام یک از این دو صورت را به عنوان مدخل اصلی انتخاب کنیم، مدخلی که معادل لاتین آن هم توأمان قید گشته، به عنوان اصلی انتخاب می گردد و دیگری بعد از کپی و سپس الحاق شود.